

Feasibility of Power Transfer in the South China Sea: China Rises Against American Hegemony

Afshin Jafari¹ | Somayeh Rasoolpour Nalkiashari²

Abstract

During the post-Cold War era, the ground was set for the growth of regional powers in a multipolar world. One of these regions is the Southeast Asia which encompasses China South Sea, which is considered as a geopolitical basin. The geographical location of the South Sea of China is strategically important as it is believed that huge oil and natural gas reserves lie beneath its seabed. Moreover, China South Sea is the habitat of a large number of aquatic plants and animals. China's economic rise and rapid growth in recent decades, the South China Sea has become a hotbed of conflict between coastal neighbors, regional organizations, as well as extraterritorial powers. It is probable that international relations and the traditional US-led traditional order in East Asia change as an important consequence of emerging a power in the East. This study seeks to explain the concepts and sources of power in international relations and examine the conflict of power between the United States and China in the South China Sea Basin. This paper has answered with a qualitative approach and studying documents with a descriptive-analytical manner whether Chinese sovereignty over the South China Sea paves the way for the decline of traditional US hegemony in the region. The findings of this study indicate that China's rapid growth and increase in military power and the exercise of monopoly power over the South Sea of China have led to strong opposition from neighboring countries and supra-regional powers. This opposition will be a challenge for any peaceful transfer of power in the region.

Keywords: Freedom of Navigation (FON), the South Sea of China, Soft Power, the Chinese Navy, American Hegemony.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

7

Vol. 2
Autumn 2022

Research Paper

Received:
02 July 2021
Accepted:
19 November 2022
P.P: 49-80



1. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran.

2. Corresponding Author: PhD in International Law, Visiting Lecturer, Payam Noor University, Tehran, Iran. Rasoulpoursomayeh@gmail.com



امکان سنجی انتقال قدرت در دریای چین جنوبی: خیزش چین در تقابل با هژمونی آمریکا

افشین جعفری^۱ | سمیه رسول پور نالکیاشری^۲

چکیده

در دوران پساجنگ سرد زمینه برای رشد قدرت‌های منطقه‌ای در جهان چندقطبی فراهم شد. منطقه جنوب شرق آسیا در حوزه دریای ژئوپلیتیک چین جنوبی یکی از این مناطق است. این دریا با موقعیت جغرافیایی استراتژیک به دلیل وجود ذخایر عظیم نفتی، گازی و آبزیان فراوان در پی خیزش اقتصادی چین و رشد سریع آن در دهه‌های گذشته به کانون مناقشه بین کشورهای همسایه ساحلی، سازمان‌های منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. از مهم‌ترین تأثیرات تولید قدرت نوظهور در شرق، امکان تغییر مناسبات بین‌المللی و ایجاد ناهنجاری در نظم سنتی حاکم بر شرق آسیا به رهبری آمریکا است. این نوشتار ضمن تبیین مفهوم و منابع قدرت در روابط بین‌الملل و بررسی شرایط تقابل قدرت بین آمریکا و چین در حوزه آبی دریای چین جنوبی، این پرسش که آیا تسلط حاکمیتی چین بر دریای چین جنوبی زمینه را برای افول هژمونی سنتی آمریکا در منطقه فراهم می‌کند مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از شیوه مطالعه اسناد و کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیده که رشد سریع چین و افزایش قدرت نظامی آن و اعمال حاکمیت انحصاری بر دریای چین جنوبی منجر به مخالفت شدید سایر کشورهای همسایه ساحلی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون آمریکا شده که امکان هرگونه انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در منطقه را با چالش مواجه خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: آزادی دریانوردی؛ دریای چین جنوبی، قدرت نرم؛ نیروی دریایی چین؛ هژمونی آمریکا.

۱. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دکترای حقوق بین‌الملل، مدرس مدعو، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه

در طول جنگ سرد، تنش بین دو ابرقدرت وقت، آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، ناگزیر به درگیری‌های غیرمستقیم متعددی بین طرفین در مناطق مختلف جهان شد. جنگ کره در شرق آسیا، درگیری اعراب و اسرائیل در خاورمیانه و بحران کنگو در آفریقا نمونه‌ای از تقابل قدرت در آن زمان بود. هر یک از دو قدرت طرف‌های مقابل را مسلح کرده و به‌جای استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز جهت رفع اختلافات با درگیری نظامی تنش‌ها را افزایش دادند. با پایان جنگ سرد و اتمام خصومت ایدئولوژیک به نظر می‌رسید از میزان تنش‌های سیاسی جهان کاسته خواهد شد. با این حال آغاز جنگ در افغانستان، درگیری‌های قره‌باغ و جنگ‌های یوگسلاوی که عمدتاً در پی فروپاشی نظام کمونیستی شوروی رخ دادند، جهان را وارد عصر جدیدی از مناقشات نمود. قرن بیست و یکم با افزایش حملات غیرمستقیم همچون تروریسم، حملات سایبری و نقض امنیت اطلاعات بازیگران بین‌المللی را با تهدیدات نوین و متفاوت مواجه ساخت. یکی از مهم‌ترین موضوعات در روابط بین‌الملل مدرن که تعداد زیادی از کشورهای همسایه ساحلی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای را به خود جلب کرده مناقشات ارضی، دریایی و امنیتی دریای چین جنوبی است که به دلیل تعدد مدعیان و پیچیدگی مناقشات آن را «مادر همه اختلافات سرزمینی»^۱ می‌نامند (بوآکل، ۲۰۱۰: ۸).

دریای چین جنوبی برای آمریکا از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این دریا بخش مهمی از مسیر اصلی ترانزیت کالا در تجارت دریایی است و اختلافات بر سر جزایر و صخره‌های موجود در آن فی‌مابین چین و متحدان آمریکا در منطقه به‌ویژه فیلیپین باعث ایجاد بی‌ثباتی و نقض امنیت در دریای چین جنوبی شده است، از سوی دیگر خیزش اقتصادی و نوسازی نیروی دریایی چین و قصد پکن برای اعمال حاکمیت مطلق در دریای چین جنوبی با ترسیم خطوط فواصل نه‌گانه منافع آمریکا را با چالش مواجه کرده است (اسکات، ۲۰۱۲: ۳۱۶). این عوامل جلب توجه آمریکا به شرق آسیا را پس از مدت‌ها غفلت در پی داشت، به‌نحوی که مقامات و افسران ارتش آمریکا در واکنش به فعالیت‌های چین برای احیاء زمین، ساخت جزایر مصنوعی و تجهیز آن‌ها با ادوات

1. Mother of All Territorial Dispute

سنگین نظامی؛ ساخت باندهای فرود تخصصی در زنجیره جزایر پاراسل، اسپراتلی و صخره مرجانی صلیب آتش، اظهار کردند که در صورت نیاز «امشب می‌جنگند». تضاد منافع آمریکا و چین که با اعمال سیاست‌های قاطعانه پکن در دریای چین جنوبی افزایش یافته، زمینه رقابت گسترده‌تری را بین هژمونی سنتی جهان پس از جنگ جهانی دوم و چین جهت تسلط بر منطقه شرق و جنوب شرق آسیا و اعمال هژمونی در حوزه آبی دریای چین جنوبی را فراهم کرده است. حال این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد که آیا سیاست‌های قاطعانه چین در دریای چین جنوبی می‌تواند هژمونی آمریکا در منطقه را با چالش مواجه کند؟ و این که چگونه آمریکا رهبری خود در منطقه را حفظ خواهد کرد و به روابط دیپلماتیک با چین ادامه می‌دهد؟ در پاسخ به پرسش‌های مطروحه این فرضیه قابل طرح است که چین در دفاع از ادعاهای خود با آغاز هزاره سوم فعال‌تر از گذشته عمل کرده، اما با این وجود افزایش سیاست‌های قاطعانه پکن اغلب در پاسخ به اقدامات سایر مدعیان منطقه‌ای صورت گرفته و نه تقابل با هژمونی آمریکا، با این وجود تأثیر تولد این قدرت نوظهور در شرق بر قدرت نظامی و رهبری آمریکا به‌طور پیوسته در حال افزایش است. از سوی دیگر عملکرد آمریکا نشان می‌دهد که سیاست آمریکا در منطقه مهار کامل چین نیست و هدف اصلی واشنگتن ایجاد توازن قدرت با حفظ آزادی دریانوردی است.

پیشینه پژوهش

تاکنون مقالات و پژوهش‌های متعددی درباره نقش و جایگاه چین در دریای چین جنوبی، ادعاهای مطروحه از سوی چین، ساخت جزایر مصنوعی، ایجاد پایگاه‌های نظامی متعدد در صخره‌های دریایی، اعمال ممنوعیت‌های ممنوعیت ماهیگیری یک‌جانبه علیه سایر کشورهای ساحلی منطقه، در داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده که در اینجا به چند نمونه به شرح زیر اشاره می‌شود.

کتابی با عنوان *خیزش چین در عصر گذار* ضمن بیان نظرهای موجود در سطح کلان روابط بین‌الملل در زمینه قدرت سعی می‌کند خیزش چین در شرق آسیا و امکان تقابل با نظم منطقه‌ای موجود به رهبری آمریکا را مورد بررسی قرار دهد (شیرخانی و محروق، ۱۳۹۹). در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مفهوم آب‌های تاریخی در پرتو پرونده دریای چین جنوبی» چاپ شده در فصلنامه

پژوهش حقوق عمومی، مفهوم آب‌های تاریخی را که مبنای استدلال دولت چین برای اعمال حاکمیت بر کل دریای چین جنوبی است را مورد تحلیل قرار داده است (امین‌زاده و شارق، ۱۳۹۸). مقاله «سیاست چین در دریای جنوبی با سیاست قدرت و نفوذ دریایی» در فصلنامه پژوهشی سیاست خارجی به چاپ رسید، این مقاله ضمن اشاره به شرایط و ویژگی‌های جغرافیایی موجود در دریای چین جنوبی به بیان اقدامات حاکمیتی و نظامی صورت گرفته توسط چین در منطقه می‌پردازد (عباس‌زاده فتح‌آبادی و رضانی، ۱۳۹۶).

کتاب *اختلافات دریایی و سرزمینی در دریای چین جنوبی؛ رویکردی از قدرت و قانون در عصر خیزش چین*^۱ در قالب مجموعه مقالات با بررسی تحولات اخیر در دریای چین جنوبی همچون وضعیت حقوقی جزایر و صخره‌های مورد مناقشه، حکم داوری بین‌الملل در زمینه مناقشات تحدید حدود و بررسی آثار زیست‌محیطی، اقتصادی و سیاسی مناقشات منطقه‌ای رابطه بین افزایش قدرت و قانون در عصر ظهور چین را موردبازنگری قرار داده است (هووانگ و فرینگهام، ۲۰۲۱).

پژوهش علمی با عنوان «مقاصد چین در دریای چین جنوبی»^۲ استدلال می‌کند که چین خواهان ایجاد کنترل واقعی بر دریای چین جنوبی و اعمال حاکمیت بر جزایر مورد مناقشه در تقابل با سایر کشورهای همسایه ساحلی است که این موضوع با منافع اقتصادی و سیاسی آمریکا در منطقه قابل جمع نخواهد بود (مسترو، ۲۰۲۰).

مقاله‌ای با عنوان «استراتژی سیاسی آمریکا در دریای چین جنوبی»^۳ به رشته تحریر درآمد که هدف این مطالعه درک بهتر اهمیت استراتژی «محور آسیایی» آمریکا و ارائه تحقیقات پایدار در مورد پویایی و دلایل تغییر رویکرد آمریکا در دریای چین جنوبی است. به نظر نویسنده نقش رو به رشد چین به‌عنوان نیروی تثبیت‌کننده در حوزه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و افزایش فزاینده اهمیت ژئوپلیتیکی شرق آسیا از دلایل اصلی تغییر موضع آمریکا نسبت به دریای چین جنوبی است (تیزیرا، ۲۰۱۸).

1. Maritime & Territorial Dispute in the SCS; Faces of power & La in the Age of china's Rise (2021), Yih-Jye Hwang & Edmund Frettingham

2. Chinese Intentions in the South China Sea (2020), Oriana Skylar Mastor, Wilson China Fellowship

3. United State's Policy Strategy in South China Sea (2018), Victor Alexander Goncalves Teixeira, School of International Relations, Xiamen University, China

برخی از آثار منتشر شده صرفاً به تحلیل ادعاهای چین و مبنای استدلالی پکن در دریای چین جنوبی پرداخته‌اند و دسته‌ای دیگر به بررسی تقابل چین با دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای اهتمام داشتند. با مرور ادبیات موجود می‌توان مدعی شد که پژوهشگران عمدتاً بر تبیین رفتارها و ادعاهای چین در منطقه و یا بیان چرایی تنش بین چین و آمریکا در دریای چین جنوبی و یا ارزیابی روابط آنان در سطح کلان متمرکز بوده‌اند؛ بنابراین تفاوت اصلی این پژوهش با آثار یاد شده که ضرورت انجام آن را نیز واضح‌تر می‌سازد، بررسی جزء به جزء سیاست‌های قاطعانه چین در منطقه، تأثیر آن بر بازیگران منطقه‌ای و واکاوی امکان تقابل قدرت نوظهور چین با هژمونی سنتی آمریکا در آسیای شرقی به واسطه تسلط بر دریای چین جنوبی است.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع از روش کیفی استفاده شده و گردآوری داده‌ها نیز به صورت مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای با رویکرد توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است.

دریای ژئوپلیتیک چین جنوبی

چین که در حال تبدیل شدن به یکی از قدرت‌های جهان است برای حفظ موقعیت خود سعی دارد تسلط کامل خود بر دریای چین جنوبی را حفظ نماید (فلاحی و امیدی، ۱۳۹۶: ۱۴۸). تقریباً ۲/۳ ترانزیت جهانی گاز طبیعی^۱ از مسیر دریایی چین جنوبی می‌گذرد و قریب به ۵۰۰ میلیون نفر در سواحل این دریای باستانی کار و تلاش کرده و امرار معاش می‌کنند (کاهیل، ۲۰۱۲: ۴-۲). دریای چین جنوبی با وسعتی معادل ۳,۵ میلیون کیلومتر مربع با هشت ناحیه ساحلی چین، اندونزی، مالزی، سنگاپور، تایوان، برونئی و ویتنام محصور شده است. این دریا از ۲۵۰ جزیره صخره‌ای و مرجانی که اغلب آن‌ها خالی از سکنه هستند و تعداد زیادی از تپه‌های شنی که با جزر و مد دریا پدیدار و ناپدید می‌شوند، تشکیل شده است (رحمان و تسمانی، ۲۰۱۰: ۳۱۶). این دریا مورد ادعای هر هشت کشور ساحلی است، ادعاهایی که از اختلاف و رقابت بر سر سه مجمع‌الجزایر پاراسل،^۲ اسپراتلی،^۳ پراتاس^۱ و سواحل مک کلسفید^۲ و تپه‌های اسکاربورو^۳ نشئت

1. Liquefied Natural Gas (LNG)

2. Paracels

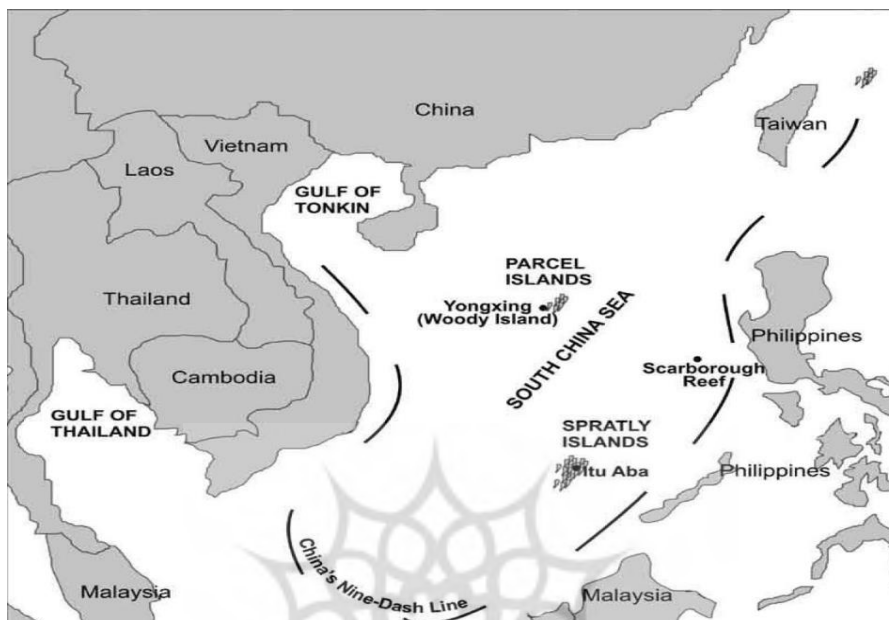
3. Spratly

گرفته است. چین سعی دارد با تسلط بر جزایر واقع در دریای چین جنوبی و آب‌های اطراف آن‌ها با طرح حاکمیت مطلق، مالکیت کل دریا را به نحو مستمر و مداوم در اختیار داشته باشد (محمودی و راستگو افخم، ۱۳۹۷: ۲۷۷). چین ادعا دارد از ۲۰۰۰ سال قبل بر جزایر پاراسل، اسپراتلی و آب‌های اطراف آن حاکمیت داشته و این جزایر بخش جدایی‌ناپذیر خاک چین محسوب می‌شوند (خضری، ۱۳۹۱: ۷۴۶) و استدلال خود را عمدتاً بر مبنای مفهوم حقوق تاریخی^۴ و نقشه خطوط فواصل نه‌گانه (خط یو شکل)^۵ بیان می‌کند.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، چین نسبت به اسپراتلی و پاراسل ادعای حاکمیت مطرح کرد و در سال ۱۹۷۴ با بازپس‌گیری جزایر پاراسل از ویتنام ادعای خود را عملی نمود و سپس تپه دریای کولین توسط چین تصرف شد (وونگ، ۲۰۱۳: ۳۸). در سال ۱۹۸۸ جزایر پاراسل و اسپراتلی را ادغام و استان جدید هانین^۶ را تأسیس کرد (بتمن و امرز، ۲۰۰۹: ۴۵). در ادامه نقشه خطوط فواصل نه‌گانه در سال ۲۰۰۹ بدون هیچ توجیه قانونی برای نحوه ترسیم آن توسط چین به سازمان ملل متحد ارائه شد. پایه این خطوط در جنوبی‌ترین نقطه دریای چین جنوبی در منطقه‌ای به نام جیمز شول^۷ قرار دارد (کیوان، ۲۰۰۹: ۱۷۷). در سال ۲۰۱۳، چین یک خط به خطوط مزبور در شرق تایوان اضافه کرد و نقشه خطوط ده‌گانه را برای اعلان عمومی در مطبوعات خود منتشر کرد (وزارت امور خارجه آمریکا، ۲۰۱۴: ۳-۶).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Pratas
2. Macclesfield Bank
3. Scarborough Shoal
4. Historical Rights
5. U-Shaped Line
6. Hainan
7. James Shoal



نقشه ۱. خطوط فواصل نه گانه (یو شکل) (منبع: چاکراورتی، پ.ک. (۲۰۱۲)، اختلافات در دریای چین جنوبی، مجله بررسی دفاعی هند، شماره ۲۷)

ترسیم خط یو شکل باعث شد بخش گسترده‌ای از مناطق انحصاری اقتصادی^۱ شش کشور ساحلی حوزه دریای چین جنوبی در حاکمیت چین قرار گیرد. با توجه به اینکه چین در سال ۱۹۹۶ کنوانسیون حقوق دریاها^۲ ۱۹۸۲ را امضاء و تصویب نموده، مجموع این اقدامات به منزله نقض تعهدات این کشور نسبت به کنوانسیون است (شیکام و کیوان، ۲۰۱۶: ۱۴۸).

از سال ۲۰۱۲ پکن تأکید مضاعفی بر مفهوم منافع اصلی در راستای تمرکز بر ثبات رژیم حقوقی حاکم بر دریای چین جنوبی و اعمال حاکمیت بر جزایر آن داشته است. شی جی پینگ بیان داشته که «هیچ کشوری نباید انتظار داشته باشد که چین بر سر مسائل مربوط به منافع اصلی خود میوه‌ای تلخ را ببلعد» (ترنگ و همکاران، ۲۰۲۰: ۶۴) و در ادامه با معرفی طرح محور آسیایی آمریکا لحن سیاسی پکن و اقدامات آن نسبت به دریای چین جنوبی به دلیل تغییر مواضع امنیتی

1. The Exclusive Economic Zone (EEZ)
2. The 1982 United Nations Convention On the Law of the Sea

منطقه بشدت تحریک شد تا آنجا که چین اکنون از لحاظ ذهنی و مادی آمادگی مهار هرگونه درگیری مسلحانه در صورت تشدید منازعات احتمالی را دارد.

با این حال سیاست‌های قاطعانه حاکم بر دریای چین جنوبی از سوی چین اساساً به دلیل وجود تنگه تایوان تا حدی شکننده است لذا پکن سعی دارد از طریق مدیریت بحران، با عنایت به شرایط سیاسی-اقتصادی داخلی خود و با توسل به مذاکرات سیاسی تعامل خود با سایر مدعیان منطقه‌ای را در وضعیت موجود حفظ نموده و از تحقق مناقشات بیشتر بپرهیزد.

دریای چین جنوبی از سه منظر برای پکن بسیار حائز اهمیت است: اول) تسلط کامل بر این دریا به نیروی دریای چین اجازه دسترسی مستقیم به کانال باشی^۱ حدفاصل بین تایوان و فیلیپین را فراهم می‌سازد که امکان محاصره دریایی تایوان و یا در صورت ضرورت مقابله با ناوگروه‌های نیروی دریایی آمریکا در فواصل دورتر از خط ساحلی را فراهم می‌سازد. دوم) حفظ امنیت تنگه مالاکا^۲، که ۸۰٪ نفت وارداتی چین از طریق آن به پالایشگاه‌ها و انبارهای ذخیره‌سازی در استان‌های جنوبی چین حمل می‌شود و حفاظت از این مسیر آبی برای حفظ ثبات اقتصادی چین بسیار حائز اهمیت است؛ لذا چین با توسعه نیروی دریایی خود سعی دارد امکان مسدود شدن تنگه مالاکا در صورت درگیری با آمریکا و یا اقدام نظامی هند را به حداقل برساند.^۳ سوم) ایجاد یک منطقه حفاظت شده در پی اعمال حاکمیت مطلق بر کل دریای چین جنوبی جهت حرکت آزادانه زیردریایی‌های حامل موشک SSBN با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای است (ولفیلد و ترنگ، ۲۰۲۰: ۶۴).

در پی خیزش اقتصادی چین، این کشور سعی دارد با افزایش سالانه بودجه دفاعی-نظامی خود، علاوه بر حضور پایدار در آب‌های آزاد منطقه، صلح آمریکایی^۴ موجود در شرق آسیا را که بعد از جنگ جهانی دوم توسط نیروی دریایی آمریکا شکل گرفته را با چالش مواجه نماید. تحلیل‌گران امنیتی آمریکا معتقدند چین برای سلطه بر شرق آسیا، راهبردی سه مرحله‌ای طراحی

1. Bashi Channel

2. Malacca Strait

۳. اغلب کارشناسان اهمیت ورود منابع انرژی و وابستگی آن به تنگه مالاکا برای چین را با عبارت «معضل مالاکا» (Malacca Dilemma) معرفی می‌کنند.

4. Pax-Americana

کرده است. مرحله اول) کنترل آب‌های موجود فی مابین اوکیناوا، تایوان و فیلیپین (۲۰۰۰-۲۰۱۰)، مرحله دوم) کنترل آب‌های زنجیره جزایر اوگاساوارا، گوام و اندونزی (۲۰۱۰-۲۰۲۰)، مرحله سوم) خاتمه سلطه نظامی آمریکا در اقیانوس هند و پاسفیک (۲۰۲۰-۲۰۴۰) (پدرزو، ۲۰۱۰: ۲). علاوه بر نگرانی ابتدایی آمریکا از خیزش چین، افزایش قدرت نظامی پکن در زنجیر جزایر پاراسل و اسپراتلی حس تهدید را در کشورهای حاشیه دریای چین جنوبی چنان افزایش داده که آنان از گسترش چتر حمایتی آمریکا در منطقه استقبال کردند (مسرور و خانی، ۱۳۹۷: ۱۸۳). از منظر آمریکا، چین یک چالشگر بالقوه است که سعی دارد از رهگذر تسلط بر یکی از ژئوپلیتیکی‌ترین حوزه‌های آبی جهان بر نظم دریایی آسیا و در ادامه جهان با افول نیروی دریایی آمریکا تسلط یابد (کاوایانی و دیگران، ۲۰۱۷: ۳۷). در نقطه مقابل، آمریکا نیز به‌عنوان تنها ابرقدرت موجود حاضر در منطقه سعی دارد با اعمال سیاست خود در منطقه به نام محور آسیا^۱ ضمن پرهیز از برخورد جدی با چین او را در چارچوب نظم فعلی بین‌الملل هدایت کند (عباس-زاده فتح‌آبادی و رضانی، ۱۳۹۶: ۷۲).

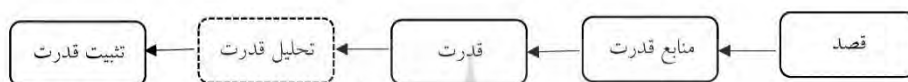
مفهوم و منابع قدرت در روابط بین‌الملل

قدرت، حداقل در سنت رئالیسم سیاست بین‌الملل، به‌عنوان پایه اساسی سیاست همچون کارکرد پول برای علم اقتصاد در نظر گرفته می‌شود (مرشایمر، ۲۰۰۷: ۷۲). در نظام آنارشیک بین‌الملل قدرت همان ابزار اصلی دولت‌های مستقل برای تضمین استقلال، امنیت و بقا است (والت، ۱۹۹۱: ۲۱۷)؛ بنابراین ارزیابی قدرت خود و دیگر دولت‌ها و درک ماهیت مفهومی قدرت مهم‌ترین مسئولیت دولتمردان است.

چین به‌عنوان یکی از ساختارهای سیاسی کهن جهان دارای دیدگاهی بسیار غنی از مفهوم قدرت است. کتاب هنر جنگ^۲ اثر سان‌زی^۳ نشان‌دهنده توجه چینی‌ها به ابعاد و صور گوناگون قدرت است. رویکرد متفکران چینی در طول تاریخ کلی‌نگری و اتخاذ تدابیر پیچیده در تخمین قدرت دشمن و پنهان کردن قدرت واقعی خود است (یان و هوآنگک، ۲۰۰۱) حال به نظر می‌رسد

1. Asia-Pivot
2. Art of War
3. Sun Zi

با تغییر ساختار نظام بین‌المللی در پی ظهور و خیزش چین از شرق و بازسازی نسبی قدرت روسیه، مفهوم قدرت در بستر جامعه بین‌المللی معاصر در حال دگرگونی است. باید توجه داشت تحلیل قدرت یک تابع جامعه بین‌المللی فرآیندی سه مرحله‌ای است. اول) در نظر گرفتن نیات خاص تابع، زیرا نیات منابع قدرت را مشخص می‌کنند، دوم) شناسایی منابع قدرت و سوم) بررسی نتایج کسب‌شده برای تخمین میزان دستیابی تابع موردنظر به اهداف تعریف شده. در این میان توجه به منابع قدرت مهم‌ترین گام از سه مرحله بیان شده برای تحلیل قدرت یک تابع است (موریس، ۲۰۰۲: ۲۸۶-۲۸۴).



شکل ۱. مراحل تحلیل قدرت (تورکسانی، ۲۰۱۷: ۸۴)

توجه به این امر که هیچ استانداردی برای تعیین منابع قدرت وجود ندارد ضروری است، با این حال؛ می‌تواند به رویکرد سه سطحی دیوید سینگر استناد کرد. در این رویکرد، لایه حکومت/دولت به عنوان پایه و سطوح سیستمی/بین‌المللی و اجتماعی به عنوان تسهیل‌کننده یا در برخی موارد محدودکننده توانایی دولت در نظر گرفته می‌شود. در سطح حکومت/دولت منابع اقتصادی و نظامی همان مواردی است که مایکل بارت و ریمون دووال آن را قدرت اجباری می‌نامند و اغلب رایج‌ترین منابع قدرت هستند. برخی نیز آن‌ها را به منابع بُعد اول و دوم^۱ یا قدرت مستقیم^۲ و متقاعدکننده^۳ تقسیم می‌کنند (برنسکووتر، ۲۰۰۷: ۹۷). منبع دیگر در این سطح، عملکرد ملی دولت است.

در سطح سیستمی/بین‌المللی سه حوزه از منابع قدرت را می‌توان در نظر گرفت. اول) مجموعه نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی که کشور در ساختار سازمانی آن‌ها وارد و در نهایت به عضویت آن درآمده، دوم) موقعیت ژئوپلیتیک کشور و سوم) موقعیت اقتصادی کشور که شامل میزان تجارت فرامرزی، سرمایه‌گذاری و سطح تبادلات ارزی کشور با نهادهای پولی و مالی بین‌المللی است

1. First & Second Dimensions
2. Direct Power
3. Persuasive Power

(شامباو، ۲۰۱۳: ۵۶). به عبارتی دولت‌ها می‌توانند از روابط نامتقارن تجاری خود با سایر کشورها برای دستیابی به اهداف سیاسی استفاده کرده و طرف مقابل را بیش‌ازپیش وابسته نمایند. در سطح اجتماعی دو حوزه از منابع قدرت وجود دارد. اول) چهره‌ای که یک کشور از خود میان توده جمعیتی کشورهای خارجی ترسیم کرده که جوزف نای آن را «قدرت نرم»^۱ نامیده است (نئی، ۲۰۰۴). قدرت نرم همان توانایی دولت برای دستیابی به اهدافش با تکیه بر جذابیت‌های ذاتی که به آن اجازه می‌دهد بر ترجیحات سایر دولت‌ها در راستای منافع خود تأثیر گذارد اطلاق می‌شود. دوم) سطح حمایت که همان مشروعیت یک حکومت در میان جمعیت خود است.

۱- تحلیل منابع قدرت چین

پس از معرفی منابع قدرت در روابط بین‌الملل، لازم است هر کدام از موارد فوق‌الذکر نسبت به کشور چین مورد بررسی اجمالی قرار گیرد:

اول) موقعیت چین در نهادهای منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای و سازمان‌های بین‌الدولی و جهانی پایدار و نسبتاً مثبت است. چین عضو همه سازمان‌های منطقه‌ای بوده و از جایگاه ویژه‌ای در نظام بین‌الملل به‌عنوان عضو دائم شورای امنیت برخوردار است. چین عضو سازمان تجارت جهانی، گروه ۲۰ و آپک بوده و نقش خود در حفظ نظم اقتصاد لیبرال را افزایش داده از جمله این که یوان از اول اکتبر ۲۰۱۷ در سبد ارزی صندوق بین‌المللی پول پذیرفته و به‌عنوان پنجمین ارز رسمی آن صندوق مورد مبادله قرار می‌گیرد (اسچموکر و گنات، ۲۰۱۰: ۱۰-۹). به‌عبارت‌دیگر چین در مدیریت نهادهای بین‌المللی به شیوه مطلوب برای دستیابی به بالاترین منافع از آن‌ها ضمن ایجاد ثبات نسبی و درعین‌حال دوری از مسائل چالشی و تعهداتی که برخلاف منافعش خواهد بود موفق عمل کرده است (ترسکانی، ۲۰۱۸: ۱۱۱).

دوم) جهش اقتصادی دور از تصور چین باعث شد توانایی نظامی این کشور در طی دو دهه به‌طور چشم‌گیری افزایش یابد که همین افزایش، ارتقاء جایگاه منطقه‌ای را در پی داشته، باین‌حال؛ قدرت نظامی چین باعث افزایش نگرانی امنیتی همسایگان چین در منطقه و حتی قدرت‌های فرمانطقه‌ای شده است. از سال ۲۰۰۹ به بعد کشورهای منطقه با درک سیاست‌های قاطعانه چین در دریای چین جنوبی دریافتند که برای حفاظت از منافع خود باید روابط سیاسی-اقتصادی و حتی

1. Soft Power

نظامی خود را در سایه قدرتی فرامنطقه‌ای همچون آمریکا تقویت نمایند. البته باید توجه داشت که هنوز مدرکی مثبت که نشان‌دهنده تأثیر سیاست‌های قاطعانه چین در دریای چین جنوبی در تقابل با هژمونی آمریکاست در دست نیست (ترسکانی، ۲۰۱۸: ۱۲۰-۱۱۹).

سوم) مستندات نشان می‌دهد چین از دهه ۱۹۹۰ به‌طور مشخص موقعیت ژئواکونومیک خود در شرق آسیا را بهبود بخشیده است. چین در همین دوره زمانی اقتصاد برون‌مرزی خود را نیز ارتقاء داده است، البته هنوز دلایل کافی برای اثبات این مهم که آیا اقتصاد داخلی چین در برابر شوک‌های بیرونی همچون بحران‌های اقتصادی دهه ۱۹۷۷ یا ۲۰۰۸ آسیب‌پذیر است یا خیر در دسترس نیست. بدون شک امروزه چین مهم‌ترین کشور تجاری در منطقه است، به‌نحوی که قدرت خرید پکن از وضعیت صادرات آن به‌عنوان ابزار سیاسی کارآمدتر است. با این حال، این امر ماهیت متناقض روابط صادرات و واردات بین کشورها را آشکار می‌سازد، زیرا بیشتر کشورها تلاش برای افزایش صادرات محصولات خود را ابزاری برای رشد تقاضای تولیدی و عاملی برای رشد اقتصادی می‌دانند، اما در عین حال، این امر اقتصاد یک کشور را بیش‌ازپیش به بازارهای صادراتی وابسته خواهد کرد که خود اهرم بالقوه فشارهای سیاسی آتی خواهد بود (شامباو، ۲۰۱۳: ۶-۵).

چهارم) چین در حوزه اعمال قدرت نرم هنوز یک کارآموز مبتدی است. چین به‌طور قابل توجهی از نمونه فرامنطقه‌ای خود آمریکا و همچنین از مدل‌های منطقه‌ای چون ژاپن و کره جنوبی عقب‌تر است. قدرت نرم از حوزه‌های مشکل‌ساز منابع قدرت چین است و حتی به نظر می‌رسد موقعیت ژئوپلیتیک این کشور هم به آن دامن می‌زند (فلز، ۲۰۱۷: ۷۴۹).

پنجم) علی‌رغم ذات کمونیستی حکومت چین داده‌ها، سطح بالایی از رضایت عمومی مردم چین از حکومت را نشان می‌دهند. میزان این رضایت در طول دهه اول هزاره سوم افزایش یافت و در آغاز دهه ۲۰۱۰ به سطوح قابل توجهی رسیده است. نظرسنجی دانشگاه هاروارد نشان می‌دهد که رضایت شهروندان چینی از دولت کمونیست حدفاصل سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶، از ۸۶٪ به بیش از ۹۳٪ افزایش یافته است (هیوآژن، ۲۰۲۰). مناقشات دریایی موجود در دریای چین جنوبی و واکنش پکن به آن‌ها از یک سو و اعمال سیاست‌های قاطعانه در این حوضه آبی نشان می‌دهد که عموم مردم از تصمیمات دولت خود راضی هستند. با این وجود؛ هیچ نشانه‌ای مبنی بر تأثیر مستقیم حمایت عمومی بر رفتار دولت چین در مسائل گوناگون وجود ندارد (کمپتون، ۲۰۰۰: ۸).

۲- قدرت و سیاست‌های قاطعانه در دریای چین جنوبی

نظم پنجاه‌ساله‌ی شرق آسیا که در سایه رهبری هژمونیک آمریکا و نظام لیبرالیسم بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفت، با خیزش چالشگری نوین به نام چین در حال فرونشست است. مارک بیسون شرق آسیا را در سه قالب کشورهای عضو نهادهای منطقه‌ای پاسفیک، جنوب شرق آسیا و آسیا-پاسفیک تقسیم می‌کند (بسون، ۲۰۰۵: ۹۷۵). در تقسیم‌بندی دیگر، منطقه شرق آسیا به سه خوشه مستقل شمال شرق، جنوب شرق و اقیانوسیه قابل تعریف است (شیرخانی و محروق، ۱۳۹۹: ۳۰) منطقه شرق آسیا، ذیل حوزه دریایی تجارت محور اقیانوس آرام و دریاهای داخلی آن و حوزه قاره‌ای-دریایی آسیای شرقی و از نظر ژئوپلیتیک، در مناطق دریایی حاشیه آسیا-پاسفیک و مناطق زمینی حوزه آسیای شرقی شامل سرزمین اصلی چین و هندوچین قرار دارد (کوهن، ۱۳۸۷: ۹۲-۸۵). در این میان چین با افزایش چشم‌گیر توان اقتصادی، سعی در گسترش قدرت و تثبیت نفوذ خود به‌عنوان قدرت برتر در دریای چین جنوبی دارد. ارگانسکی معتقد است که سیاست بین-الملل دارای یک نظام سلسله‌مراتبی است که مدیریت آن در اختیار دولت واحدی موسوم به قدرت مسلط قرار دارد و جایگاه دولت‌ها در این نظام بر اساس منابع قدرت و تنوع آن تعریف می‌شود (ارگانسکی، ۱۹۵۸: ۷۵). به‌بیان‌دیگر چین به دنبال ایجاد سلسله‌مراتب نوین در منطقه شرق آسیا و قرار دادن خود در بالای هرم قدرت است، به همین منظور پکن در دو دهه اخیر سیاست-های قاطعانه خود را در حوزه دریای چین جنوبی جهت دستیابی به حاکمیت مطلق در آن به طرق مختلف اعمال کرده است.

۱-۲- دهه اول هزاره سوم

رفتار قاطعانه چین در دریای چین جنوبی سال‌ها قبل از ۲۰۰۹ آغاز شده بود. چین در دهه ۱۹۹۰ سیاست‌های فعالانه خود را جهت تقویت و تثبیت قدرت در این دریا آغاز کرد که حاصل آن «اعلامیه رفتار احزاب در دریای چین جنوبی»^۱ با آ.سه. آن در سال ۲۰۰۲ بود. اگرچه سند مذکور در ایجاد هنجارهای الزام‌آور رفتاری که هدف مدعیان آ.سه. آن ناکام ماند ولی توانست حداقل یک فضای رفتاری مبتنی بر حسن نیت، تعامل چندجانبه برای جلوگیری از تنش و حتی ایجاد چشم‌اندازهای مثبت برای حل و فصل آتی اختلافات ایجاد نماید (فراول، ۲۰۱۱: ۳۰۱).

1. Conduct of Parties in the South China Sea With ASEAN 2002

ادعای چین مبنی بر اینکه دریای چین جنوبی یکی از منافع اصلی چین هم‌تراز با تبت و تایوان است مسئله‌ای بود که نیویورک‌تایمز به نقل از یک منبع ناشناس آن را این‌گونه مطرح کرد، در دیدار دو مقام ارشد آمریکا (جیمز استاینبرگ معاون وزیر امور خارجه آمریکا و جفری بادر مدیر شورای امنیت آسیا)^۱ با برخی مقامات ارشد چینی همچون دای بینگ گو^۲ به این موضوع اشاره شده است (ونگ، ۲۰۱۰). علاوه بر این ادعا شد که چند ماه بعد این موضوع با حضور هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه وقت آمریکا در گفتگوی خصوصی تکرار شده است (یوشیهارا و هلمز، ۲۰۱۱: ۵۰). با این حال بادر شخصاً در کتاب خود اظهار داشت که هیچ‌یک از مقامات چینی دریای چین جنوبی را به‌عنوان منافع اصلی معرفی نکردند (بادر، ۲۰۱۳: ۸۵). در مجموع تاکنون سند رسمی و صریح مبنی بر این که پکن دریای چین جنوبی را جزء منافع اصلی خود می‌داند به دست نیامده است. با وجود این مسئله حاکمیت و تمامیت ارضی همیشه جزو منافع اصلی دولت چین است.

نمونه دیگر از سیاست‌های قاطعانه چین، ارسال نقشه خطوط فواصل نه‌گانه به سازمان ملل متحد در ۷ می ۲۰۰۷ (بکمن و داونپورت، ۲۰۱۰: ۲). چین برای چندین دهه به‌طور مداوم بر این باور بوده که قلمرو دریایی چین شامل تمام مناطق آبی فی‌مابین این خطوط است که منشأ آن به قبل از تشکیل جمهوری خلق چین بازمی‌گردد.

چین از سال ۱۹۹۹ قانون ممنوعیت ماهیگیری در دریای چین جنوبی را اعمال کرده بود و در سال ۲۰۰۹ ماهیگیری یک‌جانبه ماهیگیران و شرکت‌های شیلات چینی را مجدداً تمدید کرد (فراول، ۲۰۱۱: ۳۰۵)؛ اما از این سال دامنه این محدودیت‌ها علیه دیگر کشورهای ساحلی گسترش یافت (سواين و فراول، ۲۰۱۱: ۵). در طرح ممنوعیت توسعه‌یافته حدود ۲/۳ کل آب‌های مورد مناقشه در دریای چین جنوبی تحت نظارت و کنترل دولت چین قرار گرفته است (تایر، ۲۰۱۱: ۱۶-۱۵).

چین در خلال دهه اول هزاره سوم بارها اعتراض خود نسبت به فعالیت‌های ویتنام برای توسعه میادین نفتی فراساحلی را اعلام داشت. چین سعی داشت با فشارهای دیپلماتیک و بعضاً تهدید

1. Deputy Secretary of State James Steinberg & National Security Council Asia Director Jeffrey Bader

2. State Councillor Dai-Bing Guo

شرکت‌های نفتی طرف قرارداد با ویتنام مبنی بر این که در صورت همکاری با ویتنام قراردادهای آن‌ها در صنایع چین و یا امنیت فیزیکی شان در دریای چین جنوبی با مخاطره مواجه خواهد شد، مانع اقدامات اکتشافی و حفاری شود (هیتون، ۲۰۱۴: ۱۴۴-۱۳۷).

با توجه به نمونه‌های ارائه شده به نظر می‌رسد این تصمیم‌ها بیشتر اقدامات تک‌بعدی در واکنش به تحرکات دیگر مدعیان است. علاوه بر این واکنش چین در مقایسه با اقدام سایر کشورها نامتناسب نبوده، برای مثال چین هرگز هیئت بلندپایه سیاسی به مناطق مورد مناقشه اعزام نکرده است. افزایش فعالیت ماهیگیری و نفتی ویتنام و فیلیپین گشت‌زنی‌های منطقه‌ای را افزایش داد.

۲-۲- دهه دوم هزاره سوم

در سال ۲۰۱۱ و متعاقب آن ۲۰۱۲، چین که در جلوگیری از فعالیت‌های نفتی ویتنام ناکام مانده بود اقدام به قطع کابل‌های کشتی‌های لرزه‌نگاری متعلق به ویتنام در منطقه کرد (هیتون، ۲۰۱۴: ۱۴۵). چین در ادامه با رد هرگونه ادعای تخلف بین‌المللی از سوی خود اظهار داشت که ویتنام با فعالیت در منطقه متعلق به چین منجر به تشدید اختلاف شده است. وزارت امور خارجه چین اعلام کرد ویتنام با این کار، حاکمیت و حقوق دریایی چین را بشدت نقض کرده است (بی‌بی‌سی، ۲۰۱۱). در عین حال برخی از کارشناسان داخلی همچون پروفیسور «ژو فنگگ» از دانشگاه پکن اظهار داشت: این اعمال نشان‌دهنده قاطعیت چین در دریای چین جنوبی نیست بلکه یک اقدام غیردوستانه بوده که می‌تواند عواقب ناخوشایندی داشته باشد (پرلاز، ۲۰۱۲). از منظر چین سیاست قطع کابل با هدف جلوگیری بهره‌برداری کشورهای همسایه از مناطقی که چین آن را متعلق به خود می‌داند مطابق با مواضع قبلی بوده، این در حالی است که در مناقشه‌های موجود در منطقه تاکنون نمونه مشابه از خرابکاری فیزیکی مرتبط با فعالیت‌های علمی-پیمایشی از سایر کشورها ثبت نشده است.

پس از آنکه چین و فیلیپین در حل مناقشه تپه‌های اسکاربورو شکست خوردند، در ۱۰ آوریل ۲۰۱۲ هواپیماهای شناسایی فیلیپین قایق‌های ماهیگیری چینی را در منطقه رهگیری و پس از بازرسی آن‌ها توسط «گرگوریو دلا پیلار»^۱ بزرگ‌ترین کشتی جنگی نیروی دریایی، گونه‌های

1. Gregorio del Pilar

دریایی حفاظت شده کشف شد. فیلیپین قصد بازداشت ماهیگیران چینی را داشت که کشتی‌های نظارتی چین با مداخله مانع این اقدام شدند (زاچریزن، ۲۰۱۵: ۸۶-۸۵). ظاهراً توافق عقب‌نشینی طرفین با میانجیگری آمریکا انجام شد اگرچه بعدها هیچ توافقی مورد تأیید قرار نگرفت (گلاسر و زالونسکی، ۲۰۱۳: ۸-۵). چین با استفاده از شناورهای پیشرفته گارد ساحلی خود شناورهای فیلیپین را تحت فشار قرار داد (گلدمن، ۲۰۱۳: ۶). در ادامه چین برای دستیابی به اهداف سیاسی خود در دریای چین جنوبی از تهدیدات اقتصادی علیه فیلیپین استفاده نمود. پکن واردات موز از فیلیپین را به بهانه مشکلات کیفی منع کرد و این امر منجر به کاهش قابل توجه صادرات موز فیلیپین به سراسر جهان شد. از سوی دیگر چین با صدور هشدار امنیتی در خصوص گروه‌های سازمان‌یافته‌ی جنایی در فیلیپین، منجر به کاهش تعداد گردشگران چینی در سفر به فیلیپین شد (زاچریزن، ۲۰۱۵: ۹۵-۸۷). در نهایت فیلیپین مجبور به خارج کردن کشتی‌های خود از منطقه مورد مناقشه شد و کل تپه‌های اسکاربورو در کنترل چین قرار گرفت. اعمال تدابیر اقتصادی چین علیه فیلیپین نوعی تاکتیک «چماق و هویج»^۱ بود که باعث تسلیم فیلیپین در مقابل اراده قاطعانه چین در دریای چین جنوبی شد. البته چین در این موضوع هرگز ارتش خود را به منطقه اعزام نکرد و صرفاً با ۹۰ شناور پیشرفته و مجهز گارد ساحلی به تقابل با کشتی‌های نظامی فیلیپین پرداخت (گلدمن، ۲۰۱۳). با این وجود پس از عقب‌نشینی فیلیپین از مواضع خود و خروج کشتی‌های نظامی از منطقه صادرات موز این کشور به چین به بالاترین سطح خود رسید و در طی چند ماه تعداد گردشگران چینی با مقصد فیلیپین به سطح عادی خود بازگشت (زکریسن، ۲۰۱۵: ۹۵-۸۷).

در می ۲۰۱۳ چین و فیلیپین بر سر صخره مرجانی توماس دوم وارد مناقشه شدند. این صخره واقع در زنجیره جزایر اسپراتلی از سال ۱۹۹۴ تحت کنترل چین بوده و این موضوع بشدت مورد انتقاد آ.سه. آن قرار گرفت. در سال ۱۹۹۹ فیلیپین کشتی قدیمی «سیسرا مادره» را به عمد در منطقه مورد مناقشه غرق کرد و از آن زمان به بعد توسط تفنگداران نیروی دریایی حضور خود در صخره مذکور را حفظ کردند تا این که از سال ۲۰۱۳ چین با کشتی‌های گارد ساحلی خود وارد منطقه شد و راه را بر قایق‌های تدارکاتی فیلیپین که در حال انتقال ارزاق برای تفنگداران بودند،

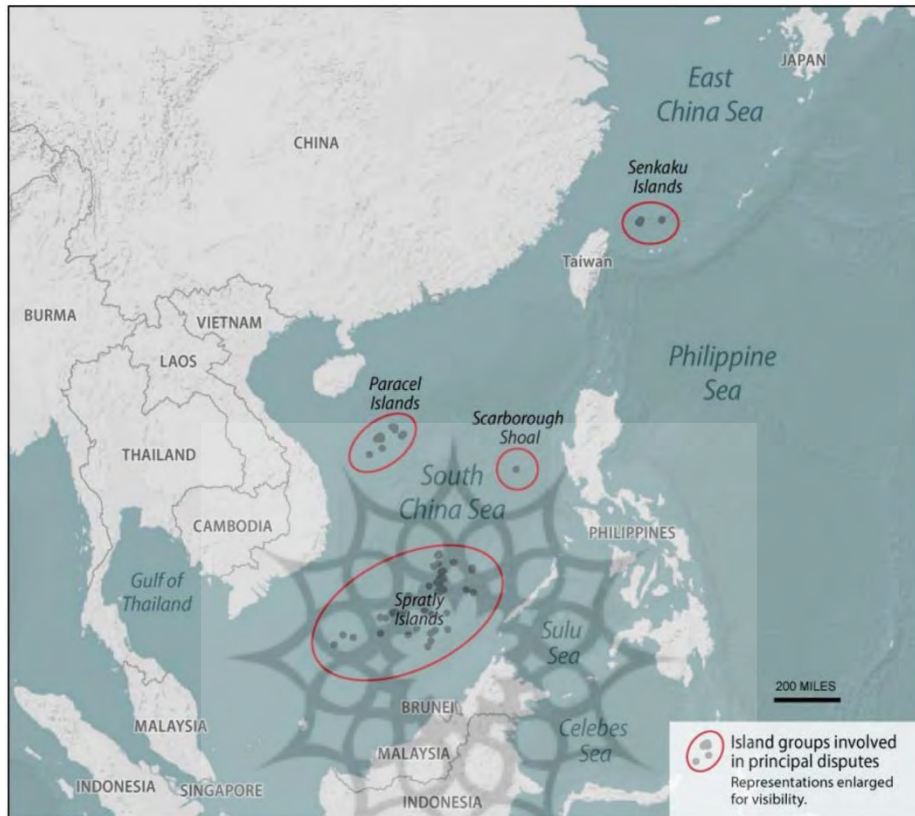
1. Carrot & Stick Strategy

مسدود کردند (هیملمن، ۲۰۱۳). مناقشه مذکور همچنان ادامه دارد، با این حال؛ توسعه نفوذ چین در صخره توماس نشان می‌دهد که اعمال «استراتژی کلم»^۱ در منطقه موفقیت آمیز است.^۲ چین در سال ۲۰۱۴ سکوی نفتی «هایان شی یو» مستقر در آب‌های مورد مناقشه نزدیک به جزایر پاراسل، در سمت ویتنامی خط میانی بین سواحل چین و ویتنام در محدوده منطقه انحصاری اقتصادی جزایر پاراسل که مورد ادعای چین است را توسعه داد (بُور و پُلینگ، ۲۰۱۴). ویتنام برای ممانعت از اقدامات چین با چند ده شناور وارد منطقه شد که با واکنش گارد ساحلی چین مواجه شده و تعدادی از پرسنل آن‌ها زخمی و بازداشت شدند (پاندا، ۲۰۱۵). از پیامدهای مستقیم این حادثه تظاهرات گسترده ضد چینی در ویتنام بود که نهایتاً منجر به خسارات مالی شدید وارده به اموال چینی‌های مقیم ویتنام و کشته شدن چند تبعه چین شد. این رویداد باعث تعمیق بیشتر روابط ویتنام با آمریکا و دیگر کشورهای منطقه جهت ایجاد توازن قدرت چین گردید (دو، ۲۰۱۴).



1. Cabbage Strategy

۲. بر اساس این استراتژی، کشتی‌های ماهیگیری چین در قالب حلقه‌های تو در تو زیر چتر حفاظتی شناورهای گارد ساحلی و نیروی دریایی چین به فعالیت خود می‌پردازند. هرگونه برخورد ماهیگیران چینی با تفنگداران فیلیپینی حاضر در منطقه بدون شک بهانه‌ای برای اقدام نظامی چین خواهد بود.



نقشه ۲. گروه جزایر درگیر در اختلافات دریایی، دریای چین جنوبی (منبع: گزارش دفتر خدمات پژوهشی کنگره آمریکا (CRS) وزارت کشور، بخش مرزهای آمریکا (۲۰۰۶))

دولت چین تاکنون هشت جزیره مرجانی را با احداث تأسیسات روی آن‌ها به جزایر مصنوعی تبدیل کرده که با مخالفت دیگر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مواجه شده است (مهکویی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۲۱۸). از جمله عملیات‌های عمرانی در این جزایر مصنوعی می‌توان به ساخت دیوارهای دریایی عظیم، سازه‌های نظامی، فرودگاه نظامی توانمند (VLFS) در بندر تپه دریایی صلیب آتش^۱، برج‌های رادار، استقرار موشک‌های دوربرد زمین به هوا (9HQ) در جزیره وودی^۲ از گروه جزایر پاراسل اشاره کرد (عباس‌زاده فتح‌آبادی و رضانی، ۱۳۹۶: ۷۴). تپه دریایی صلیب

1. Fiery Cross Reef
2. Woody Islands

آتش به طور خاص در حال تبدیل شدن به پایگاه نظامی بسیار پیشرفته در دریای چین جنوبی است. این صخره در حال حاضر دارای یک فرودگاه نظامی و اسکله‌ای ویژه برای پهلوگیری زیردریایی - های اتمی است. این صخره مرجانی احیاء شده در موقعیت استراتژیک به مرکزیت دریای چین جنوبی، دقیقاً در مسیر ترافیک تجارت دریایی، در فاصله‌ای مساوی بین سرزمین اصلی چین و تنگه مالاکا قرار دارد که از اهمیت نظامی بالایی برای چین برخوردار است (لی، ۲۰۱۵). بر اساس تصاویر ماهواره‌ای از سال ۲۰۱۶ چین ساخت دو فرودگاه را در جزایر شمالی و میانی زنجیره جزایر پاراسل آغاز کرده است^۱ که بخش عمده عملیات عمرانی آن تا امروز به پایان رسیده است (لی، ۲۰۱۶).



نقشه ۳. جزایر مصنوعی ساخته شده توسط چین در دریای چین جنوبی برای اهداف نظامی (منبع: سری، رسمی (۲۰۱۷). چرا دریای چین جنوبی مهم است؟ رؤیت شده در: <https://www.clearias.com/south-china-sea>

مروری بر اقدامات قاطعانه چین در دریای چین جنوبی در خلال دو دهه اخیر نشان می‌دهد که پکن به طور مستمر در حال افزایش قدرت خود در منطقه است که مجموع این رفتارها ضمن

۱. چین از سال ۲۰۱۶ تاکنون مجموعاً ۴ باند هوایی فوق پیشرفته در دریای چین جنوبی به قرار زیر ساخته است: ۲ باند در جزایر پاراسل، یکی در جزیره وودی و دیگری در شمالی‌ترین جزیره‌ی زنجیر و ۲ باند در جزایر اسپراتلی، یکی در صخره‌ی مرجانی صلیب آتش و دیگری در صخره سویی.

تحریک کشورهای همسایه ساحلی و سازمان منطقه‌ای آ.سه.آن، توجه قدرت فرمانطقه‌ای آمریکا به‌عنوان نظم‌دهنده سنتی منطقه را نیز به‌منظور ایجاد توازن قوا جلب کرده است.

تعاملات تاریخی آمریکا و چین در دریای چین جنوبی

درحالی‌که بسیاری از تحلیل‌گران مداخله‌های کنونی آمریکا در دریای چین جنوبی را بدیهی می‌دانند، اما قبل از جنگ جهانی دوم آمریکا علاقه‌ای به درگیری در مناقشات منطقه‌ای نداشته است. حتی در دوران جنگ سرد، دخالت آمریکا در مناقشات الگویی کاملاً متفاوت داشته است. بااین‌وجود، پس از جنگ سرد و به‌ویژه بعد از دهه ۲۰۱۰، واشنگتن ایفای نقش مداخله‌جویانه مؤثرتری را در دستور کار خود قرار داد. بررسی تاریخی دخالت واشنگتن در مناقشات دریای چین جنوبی برای درک سیاست آمریکا در این حوضه آبی حائز اهمیت است.

۱- اختلاف فرانسه و چین در دهه ۱۹۳۰

در اوایل دهه ۱۹۳۰، استعمار فرانسه مستقر در ویتنام شروع به اشغال برخی جزایر دریای چین جنوبی نمود و چین به این رفتار اعتراض کرد. زمانی که فرانسه در مورد الحاق این جزایر با دولت آمریکا مشورت کرد، آمریکا بدون صدور بیانیه رسمی از طرفداری هر یک از طرفین اختلاف (فرانسه/چین) امتناع کرد (گوآنگ، ۲۰۱۶: ۶۸). در خلال این منازعه ایزابلو دی لوس ریس^۱ سناتور فیلیپینی، ادعا کرد جزایر اشغال‌شده به دلیل نزدیکی جغرافیایی به سواحل فیلیپین متعلق به این کشور است، بنابراین از ویلیام فرانسیس مورفی^۲، فرماندار آمریکایی مجمع‌الجزایر فیلیپین درخواست کرد با نماینده فرانسه برای بازپس‌گیری جزایر مذاکره نماید. مورفی نظر واشنگتن را جویا شد اما هرگز پاسخی از دولت وقت روزولت دریافت نکرد. دولت استعماری آمریکا مستقر در مانیل به این نتیجه رسیده بود که اقدامات فرانسوی‌ها در دریای چین جنوبی تهدیدی برای آمریکا نخواهد بود (ژنگ هوآ، ۱۹۸۸: ۲۱).

1. Senator Isabelo De Losreyes
2. William Francis Murphy

۲- موضع آمریکا در مقابل اشغال ژاپن ۱۹۳۸-۱۹۳۹

در نوامبر ۱۹۳۸ ژاپن با توسل به زور و بیرون راندن نیروهای فرانسوی جزایر پاراسل و متعاقب آن جزیره هانین را اشغال کرد و ادعا نمود این جزایر جزئی از خاک ژاپن هستند. دولت‌های انگلستان و فرانسه که این اقدامات را تهدیدی برای حضور استعماری خود در شرق آسیا می‌دانستند، اعتراض مشترکی علیه دولت ژاپن مطرح کردند، با این حال؛ آمریکا که از نزدیک نظاره‌گر حمله ژاپن به چین بود هیچ واکنشی نشان نداد (اسناد سیاسی آمریکا، ۱۹۳۹: ۱۰۸). در پی این اشغال آمریکا صرفاً یک کشتی جنگی از هنگ کنگ به هانین ارسال کرد تا وضعیت اتباع آمریکایی مستقر در آن جزایر بررسی شود. در مارس ۱۹۳۹ ژاپن با پیشبرد اهداف نظامی خود جزایر اسپراتلی را نیز جزء قلمرو ژاپن اعلام کرد (اسناد سیاسی آمریکا، ۱۹۳۹: ۱۱۰). آمریکا در طی یک یادداشت دیپلماتیک خطاب به ژاپن تأکید کرد باینکه زمینه قانونی برای الحاق اسپراتلی به ژاپن وجود ندارد بحث پیرامون جزایر اسپراتلی مناقشه‌ای بین فرانسه و ژاپن محسوب می‌شود و باید از طریق مذاکرات دوجانبه یا داوری بین‌المللی حل و فصل شود (لی و آرچانا، ۲۰۲۱: ۴۵۵).

۳- دوران جنگ سرد

پس از پایان جنگ سرد، دولت چین زنجیره جزایر پاراسل و اسپراتلی را اشغال کرد که آمریکا به دلیل روابط نزدیک با دولت چیانگ کای شک اعتراض نکرد. با تأسیس جمهوری خلق چین تحت حاکمیت حزب کمونیست نقطه عطفی در سیاست خارجی آمریکا در تقابل با موضوع دریای چین جنوبی ایجاد شد. علی‌رغم تمام تلاش‌های وزیر امور خارجه وقت اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۵۱ برای کمک به چین، آمریکا توانست در «معاهده صلح سانفرانسیسکو»^۱ با ژاپن، اجازه اعمال هرگونه حق حاکمیتی از سوی چین بر جزایر دریای چین جنوبی را مسدود نماید (کی‌یو، ۲۰۱۸: ۶۹). سیاست آمریکا در دریای چین جنوبی پس از نزدیکی سیاسی واشنگتن و پکن در اوایل دهه ۱۹۷۰ به‌طور قابل ملاحظه‌ای تغییر کرد. در فوریه ۱۹۷۲ پس از سفر نیکسون به پکن، وزارت دفاع آمریکا به ناو گروه هفتم خود دستور داد که دیگر وارد محدوده ۱۲ مایلی آب‌های ساحلی جزایر پاراسل نشوند (کسینجر، ۱۹۷۹: ۸۲). دهه ۱۹۸۰، سیاست آمریکا در قبال

1. Treaty San Francisco (Peace Treaty with Japan)

دریای چین جنوبی در حالت بی‌طرفی شدید قرار داشت. عموماً اعتقاد بر این است که بی‌طرفی آمریکا در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی به دلیل وجود منافع شوروی در خلیج کام‌ران^۱ و بنادر داننگ^۲ بوده که هرگونه جانب‌داری آمریکا می‌توانست امنیت خطوط ارتباط دریایی در منطقه شرق آسیا را پیچیده‌تر نماید (آننگ، ۱۹۹۹).

۴- پس از جنگ سرد

با پایان جنگ سرد و آغاز قرن بیست و یکم تقابل قدرت آمریکا و چین در دریای چین جنوبی به‌طور چشم‌گیری افزایش یافت. این تشدید تقابل را می‌توان از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی دانست:

اول) کشمکش‌های دیپلماتیک میان طرفین: آمریکا شفاف و صریح ادعاهای چین در زمینه حاکمیت بر کل دریای چین جنوبی را با افزایش حضور فیزیکی و نظامی در شرق آسیا به چالش کشیده و هر دو قدرت فشارهای سیاسی و اقتصادی زیادی را بر کشورهای منطقه برای دستیابی حداکثر منافع اعمال کرده‌اند.

دوم) افزایش هزینه‌های دفاعی و نظامی: چین در پی خیزش اقتصادی با سازمان‌دهی مجدد پرسنل و نیروهای مسلح، توسعه تسلیحات جدید نظامی، به‌کارگیری سامانه موشک‌های کروز، ایجاد سامانه‌های پیشرفته موشک‌های بالستیک هدایت‌شونده به یک قدرت دریایی تبدیل شده است. از سوی دیگر چین در حال انجام اصلاحات اساسی در سامانه‌های نیروی هسته‌ای خود است و این مسئله رقابت نظامی آمریکا و چین را در سایه بازدارندگی هسته‌ای دو قدرت تشدید می‌کند (مورگان، ۲۰۱۹).

سوم) جانب‌داری آمریکا از مناقشات منطقه‌ای: درگیری بین چین و کشورهای مدعی آسیای جنوب شرقی بر سر منابع انرژی و فعالیت‌های ماهیگیری در سال‌های گذشته مکرر مطرح بوده و واشنگتن هر بار ضمن انتقاد از چین و اعلان بی‌طرفی حمایت‌های مادی، معنوی و دیپلماتیک را از طرف مقابل به عمل آورده است.

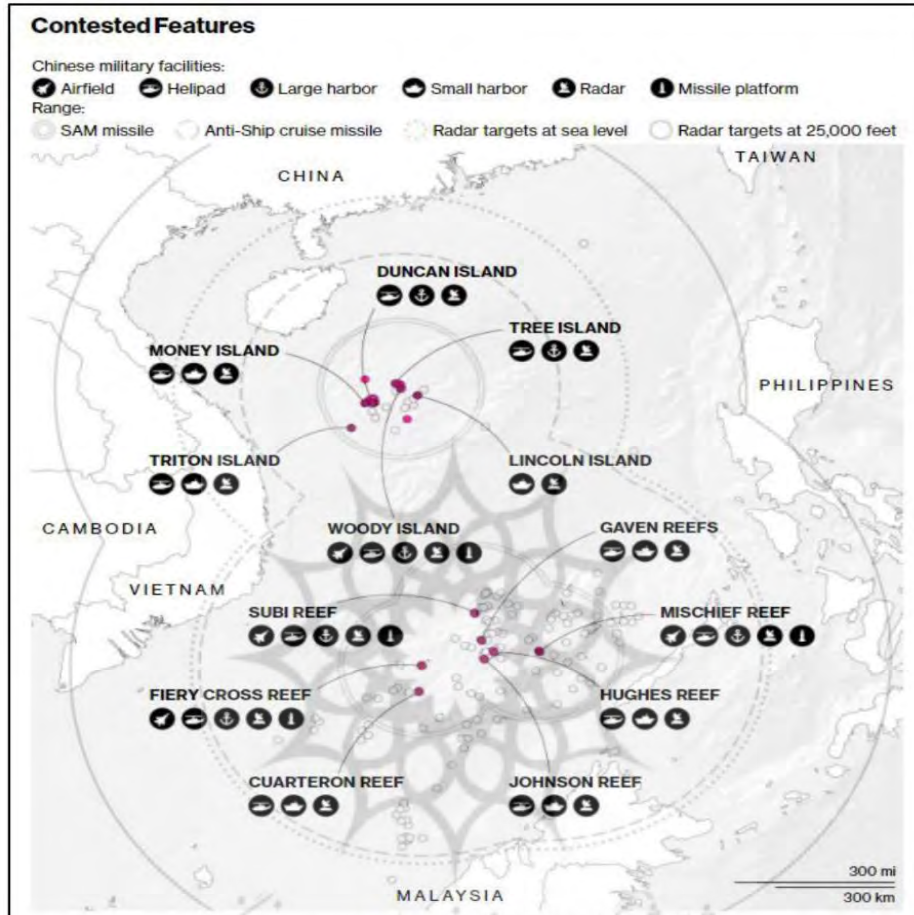
1. Cam Ranh Bay
2. Danang Ports

چهارم) اعمال حقوق بین‌الملل دریاها در دریای چین جنوبی: آمریکا برای انتقاد و تضعیف ادعاهای چین کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ را مورد استناد قرار داده است. هدف اصلی این مناقشه تقابل با خطوط فواصل نه‌گانه دولت چین است که با بخش اعظم تمام مناطق انحصاری اقتصادی همه کشورهای ساحلی موجود در منطقه همپوشانی دارد (کارپیو، ۲۰۱۷: ۱۱۲). دلیل اصلی تقابل آمریکا با چین، استناد پکن به حقوق تاریخی برای اعمال حاکمیت است. آمریکا با توجه به کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ که چین هم آن را تصویب کرده معتقد است هرگونه ادعای حقوق تاریخی در این حوزه آبی فاقد ارزش حقوقی است (گائو و جی‌یا، ۲۰۱۳: ۱۱۴)، همچنین آمریکا بارها با ادعای چین برای ترسیم خط مبدأ مستقیم در اطراف جزایر پاراسل مخالفت کرد (روچ، ۲۰۱۸: ۱۹۲). در نتیجه کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا در چند سال گذشته به‌طور مستمر برنامه آزادی ناوبری^۱ را در طول خطوط مبدأ زنجیره جزایر پاراسل اجرا می‌کنند (کوئوک، ۲۰۱۶).

پنجم) ساخت جزایر مصنوعی و ایجاد پایگاه‌های نظامی: پنتاگون در گزارش‌های خود پس از رصد فعالیت‌های عمرانی چین در دریای چین جنوبی اعلام کرد که چین حدود ۳۲۰۰ جریب زمین در این دریا تا سال ۲۰۱۶ ایجاد کرده و آن‌ها را با تسلیحات پیشرفته تجهیز نموده است (وزارت دفاع آمریکا، ۲۰۲۰: ۱۰).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Freedom of Navigation Operations(FONOPS)



نقشه ۴. تأسیسات گزارش شده در سایت‌های نظامی مستقر در جزایر مصنوعی تحت حاکمیت چین (منبع: کارن لی، پیتر مارتین و دیگران (۲۰۲۰). آب‌های آشفته: جایی که ایالات متحده و چین می‌توانند درگیر شوند، وب‌سایت بلومبرگ.

<https://www.bloomberg.com/graphics/2020-south-china-sea-miscalculation/>

بنابراین تقابل آمریکا و متحدانش با چین، نوعی تضاد منافع ناشی از تفاوت‌های آشتی‌ناپذیر عینی و نظری است. برخلاف تضاد منافع چین و مدعیان منطقه‌ای که از جنس همپوشانی قلمرو و یا حقوق دریایی است، تضاد منافع آمریکا و چین ناظر بر امکان انتقال قدرت رهبری بر آسیا است.

خیزش چین و موقعیت جهانی آمریکا

از منظر تاریخی و جغرافیایی، چین بیشتر یک قدرت قاره‌ای و نه دریایی است؛ اما اکنون چین با به کارگیری مفاهیمی چون «فرماندهی دریا» و «کنترل دریا» نیروی دریایی تجاری-نظامی مؤثر با زیرساخت‌های بسیار مناسب ایجاد کرده است (کول، ۲۰۱۶: ۷۹). به نظر می‌رسد دریای چین جنوبی نیز بهترین سکوی پرش برای تبدیل شدن به قدرت بزرگ دریایی است. به عبارت دیگر چین اعمال صلاحیت حاکمیتی مطلق در دریای چین جنوبی را گامی استراتژیک برای دستیابی به قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌داند (کیم، ۱۹۹۸: ۳۷۴)؛ بنابراین دریای چین جنوبی آخرین فرصت چین برای پیشرفت است. «ژنرال پنگ گوانچیان»^۱ معاون دبیر کل مجمع امنیت ملی چین، اظهار داشت که: «آزمون چین جنوبی نشان خواهد داد آیا چین می‌تواند به جوان‌سازی و بازیابی مجدد دست یابد یا خیر» (کوهن، ۲۰۱۶). پکن با توجه به ضعف نسبی در مقابل قدرت دریایی آمریکا راهبردهای غیرخطی و نامتقارن را در نبرد دریایی دنبال می‌کند و در عین حال اقدامات گسترده‌ای را برای نوسازی نظامی دریایی در دستور کار قرار داده تا قادر به رویارویی با قدرت-های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باشد (دورانی، ۲۰۱۵: ۹۲).

البته در خصوص خیزش چین باید قضاوت دقیق به دور از بزرگ‌نمایی داشت. اگرچه رشد سریع چین در دهه‌های گذشته چشمگیر است، اما نباید در مورد سبقت گرفتن آن از آمریکا بیش از حد اغراق شود، زیرا از منظر منطقی هیچ ارتباط مستقیمی بین رشد سریع اقتصادی و قدرت نظامی و توانایی اعمال این قدرت در یک درگیری نظامی رسمی وجود ندارد. تولید ناخالص ملی تنها یکی از شاخص‌های قابل استناد ثروت یک کشور است. در حالی که سازمان ملل متحد ثروت یک دولت را مجموعه‌ای از سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، سرمایه‌های انسانی (مهارت، بهداشت و آموزش و پرورش) و سرمایه طبیعی (منابع زیرزمینی و زیست‌محیطی) می‌داند (رادیتسو، ۲۰۱۸: ۱۶۴). از سوی دیگر، بخش گسترده‌ای از فناوری نظامی چین به کشورهای دیگر وابسته است. فریدمن نیز معتقد است شاید پیش‌بینی‌ها در ظاهر، چین را رقیبی چالشگر برای آمریکا بدانند اما

1. General Peng Guanqian

این‌گونه نخواهد بود زیرا اول) چین از منظر جغرافیایی کشوری منزوی است، از شمال به سبیری و از جنوب به هیمالیا و زمین‌های جلگه‌ای منتهی شده است و بیشتر جمعیت چین در بخش شرقی این کشور سکونت دارند و این به معنای وجود معضل در گستره جمعیتی سرزمین است. دوم) چین قرن‌ها فاقد نیروی دریایی قدرتمند بوده و صرف ساختن تجهیزات سخت‌افزاری به معنای نیروی دریایی کارآمد نیست. سوم) چین ذاتاً کشور بی‌ثباتی است. هرگاه دولت این کشور درب‌های اقتصادی را به روی خارج گشود فقط شهرها و مناطق ساحلی‌اش به شکوفایی می‌رسند و جمعیت میانی کشور که چند صد میلیون نفر را شامل می‌شود کماکان فقیر هستند و این به معنای ایجاد تنش داخلی در سال‌های آتی است (فریدمن، ۱۳۹۸: ۹-۸).

تحلیل و نتیجه‌گیری

اهمیت دریاها به دلیل گسترش روزافزون تجارت و حمل‌ونقل دریایی افزایش یافته. چین نیز نقش مهمی در تجارت بین‌الملل و اقتصاد جهان دارد و در حال تبدیل شدن به یکی از قدرت‌های جهانی است. لذا برای حفظ موقعیت خود سعی دارد بر یکی از ژئوپلیتیکی‌ترین دریاها در شرق آسیا یعنی دریای چین جنوبی تسلط کامل یابد. شرایط جغرافیایی و استراتژیک، ذخایر عظیم نفت و گاز و وابستگی زندگی چند صد میلیون انسان به منابع ماهیان دریای چین جنوبی آن را به کانون مناقشات کشورهای همسایه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای تبدیل کرده است.

خیزش اقتصادی و رشد سریع چین در دهه‌های گذشته زنگ خطر تولد قدرت نوظهور در شرق را به صدا درآورد به نحوی که مناسبات بین‌المللی، هژمونی آمریکا و ساختار نظم حاکم بر شرق آسیا به رهبری او را تحت تأثیر مستقیم قرار داد. ماهیت و دامنه ادعاهای چین، همچون حاکمیت بر جزایر پارسل و اسپراتلی، ترسیم خطوط فواصل نه‌گانه، ساخت جزایر مصنوعی و... تأثیرات عمیقی بر منازعات اخیر داشته است.

در مقابل آمریکا در پی دستیابی به حق آزادی دریانوردی و ثبات در منطقه به‌عنوان منافع اساسی خود است. با توجه به اینکه دریای چین جنوبی در شرق آسیا زیربنای پویای اقتصاد منطقه-ای و جهانی است و دسترسی آزاد به دریا در این منطقه قدرت نظامی آمریکا در شرق و جهان را حفظ می‌کند، زیرا کشتی‌ها و رزم‌ناوهای آمریکا مستقر در سواحل غربی و ژاپن از مسیر دریای

چین جنوبی وارد اقیانوس هند و خلیج فارس می‌شوند، همچنین تضمین آزادی ناوبری در این حوزه آبی به منزله حفظ این اصل در سطح جهانی خواهد بود، لذا دسترسی به آب‌های این دریای نیمه بسته برای آمریکا از اهمیت حیاتی برخوردار است. از سوی دیگر ثبات سیاسی و امنیتی در منطقه علاوه بر حفظ منافع آمریکا باعث رونق آسیای شرقی نیز می‌شود. لیکن، پتانسیل بروز درگیری نظامی میان مدعیان منطقه‌ای بر سر مناقشات حاکمیت ارضی و دریایی و استفاده مکرر چین از اقدامات قهری برای پیشبرد ادعاهای یک‌جانبه خود زمینه نقض صلح و امنیت را فراهم ساخته که این امر به معنای تهدید امنیتی علیه خطوط دریایی و کاهش سرمایه‌گذاری فرامرزی در منطقه خواهد شد.

با توجه به مجموع مطالب ارائه شده درمی‌یابیم که چین پهناورترین و پرجمعیت‌ترین کشور آسیا با بالاترین رشد اقتصادی میان تمام کشورهای صنعتی جهان در حال تبدیل به قدرت چالشگر در منطقه است. از سوی دیگر توجه فزاینده آمریکا به دریای چین جنوبی پس از خیزش چین در قالب لفاظی‌های دیپلماتیک، طرح‌ریزی پروژه‌های اقتصادی عظیم همچون راه ابریشم دریایی و کمربند جاده‌ای از جانب چین، تقویت حضور نظامی طرفین و انجام مانورهای نظامی مکرر در منطقه، طرح دعاوی حقوقی برای تحدید حدود مناطق دریایی مورد مناقشه توسط سایر کشورهای ساحلی در دیوان‌های داوری و دیوان بین‌الملل دریاها و امتناع شدید پکن و نادیده گرفتن احکام صادره نشان‌دهنده قاطعیت چین در اعمال قدرت حاکمیتی مطلق در سراسر محیط ژئوپلیتیک دریای چین جنوبی است. مجموع این مسائل و تحریک بازیگران منطقه‌ای و فرماندهی‌های برای واکنش در مقابل قدرت‌طلبی انحصاری چین و تقابل آن با هژمونی سنتی آمریکا منطقه را مستعد معضلات شدید امنیتی و نظامی کرده است. لذا آمریکا باید ضمن پذیرش نقش مؤثر پکن در آسیا، بداند کنار زدن چین از منطقه دریای چین جنوبی به صورت جزئی یا کلی عملاً غیرممکن خواهد بود، از سوی دیگر چین و کشورهای همسایه ساحلی نیز هر کدام باید با احترام به قوانین بین‌المللی زمینه حفظ منافع ملی خود و بهره‌برداری از این گستره دریایی را به دور از مناقشات لفظی، دیپلماتیک و نظامی فراهم سازند تا میدان برای قدرت‌های فرماندهی‌های جهت ایجاد تعارض و اغتشاش فراهم نشود.

منابع

- امین‌زاده، الهام و شارق، زهرا سادات. (۱۳۹۸). بررسی مفهوم آب‌های تاریخی در پرتو پرونده دریای چین جنوبی. فصلنامه پژوهش حقوقی، ۲۱(۶۴)، ۷۱-۹۹.
- خضری، رؤیا. (۱۳۹۱). استراتژی چین و آمریکا در دریای چین جنوبی. نشریه سیاست خارجی، ۲۶(۳)، ۷۵۸-۷۴۳.
- شیرخانی، محمدرحیمی و محروق، فاطمه. (۱۳۹۹). خیزش چین در عصر گذار پویایی‌های جهانی و منطقه‌ای. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فلاحی، احسان و امیدی، علی. (۱۳۹۶). دامنه تغییر و تداوم سیاست خارجی و توسعه‌گرایانه چین در دوران شی جین پینگ. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۹(۱)، ۱۷۸-۱۳۷.
- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی و رمضانی، احمد. (۱۳۹۶). سیاست چین در دریای جنوبی؛ سیاست قدرت و نفوذ دریایی. فصلنامه علمی پژوهشی سیاست خارجی، ۲۶(۲)، ۸۴-۵۹.
- کوهن، سوئل بی. (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نظام جهانی (ترجمه عباس کاردان). تهران: ابرار معاصر.
- فریدمن، جورج. (۱۳۹۸). جهان در صد سال آینده: پیش‌بینی اوضاع سیاسی جهان در قرن بیست و یکم (ترجمه ابوالحسن تهامی). تهران: انتشارات فرزاد.
- محمودی، سید هادی و راستگو افخم، عارفه. (۱۳۹۷). تقابل برنامه آزادی دریانوردی آمریکا و ادعاهای حاکمیتی چین در دریای جنوبی چین. نشریه مطالعات حقوقی، ۱۰(۱)، ۳۰۴-۲۷۳.
- مسرور، محمد و حسن‌خانی، محمد. (۱۳۹۷). بازآرایی ژئوپلیتیکی در دریای چین جنوبی. نشریه ژئوپلیتیک، ۵۰(۵)، ۱۹۶-۱۶۸.
- مهکویی، حجت و شعبانی، مریم. (۱۳۹۸). واکاوی دلایل ساخت جزایر مصنوعی توسط چین در دریای جنوبی. نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۱۷(۲)، ۲۵۷-۲۱۷.
- Bader, Jeffrey A. (2013). *Obama & China's rise: An insider's account of American's Asia Strategy*. Washington D. C.: Brooking Institution Press.
- Berenskoetter, F. (2007). *Thinking about power, power in world politics*. Edit by Felix Berenskoetter & M.J. William, London: Routledge.
- Bateman, S., Emmers, R. (2012). *Security & International Politics in the South China Sea: Towards a cooperative management Regime*, First Published, London, Rutledge.
- Beeson, M. (2005). Rethinking regionalism: European & East Asia ic comparative historical perspective, *Journal of European Public Policy*, Vol.12, pp969-985.
- Beukel, E. (2010). *China & the South China Sea: Two Faces of power in the Rising China's Neighborhood Policy*, DIIS Working paper 2010:07, Copenhagen, Denmark.

- Cahill, B. (2012). *Geopolitics of the South China Sea Energy Intelligence*, Singapore.
- Carpio, A. (2017). *The South China Sea Dispute: Philippine Sovereign Rights & Jurisdiction in the West Philippine Sea*, First Published, Manil Institute for Maritime & Ocean affairs.
- Cohen, S B. (2008). *Geopolitics of the world system*, Traslated by Abbas Kardan, [In Persian], Tehran: International Studies & Research Institute.
- Cole, B D. (2016). *China's Quest for Great Power: Ship, Oil & Foreign Policy*, First Published, Annapolis, Maryland, Naval Institute Press.
- Durani, L A. (2015). *China and the South China Sea: The Emergence of the Huaqing Doctrine*, Political Science Doctoral dissertation, Blacksburg, Virginia.
- Fravel, M. (2011). *China's Strategy in the South China Sea*, Contemporary Southeast Asia. Vol.33, pp 292-319.
- Fels, E. (2017). *Shifting power in Asia-Pacific? The rise of china, Sino-US Competition & Regional middle power allegiance*, Cham: Springer.
- Guang, L. (2016). *Us Attitudes Towards The South China Sea Dispute in the 1930*, Pacific Journal, Vol.7, pp64-72.
- Gao, Z., Jia, B. (2013). *The Nine-Dash Line in the South China Sea: History, Status, Implications*, American Journal of International Law, Vol.107, pp98-124.
- Hayton, B. (2014). *The South China Sea; The Struggle for Power in Asia*, First Published, Yale University Press, New Haven & London.
- Hwang, Y., Frettingham, E. (2021). *Maritime & Territorial Dispute in the South China Sea: Faces of Power & Law in the Age of China's Rise*, Routledge, Taylor & Francis Group.
- Kissinger, H. (1979). *The White House years*, First Published, Buston, MA: Little, Brown & Company.
- Kim, S. (1999). *The South China Sea in China's Strategic Thinking*, Contemporary Southeast Asia: A Journal of International and Strategic Affairs, Vol.19, pp369-387.
- Keyuan, Z. (2009). *China-Asean Relations & International Law*, First Published, United Kingdom, Chandos Publishing.
- Kaviani, M., Ghanbarlu, A., Delalat, M. (2017). *The Influence of United States Pacific Approach on the Security of South Western of Asia*, Geopolitics Quarterly, 13(3), 31-72.
- Li, M., Atmakuri, A. (2021). *US-China in the South China Sea*, Handbook of the South China Sea, Keyuan Zou, Routledge Taylor & Francis Group, London & NewYork, 2(1), 483-496.
- Lampton, D. (2008). *The Three faces of Chinese Power, Might, Money & Minds*, Berkeley: University of California Press.
- Mearsheimer, J. (2007). *Structural Realism: In to Dunne*, International Relations Theories, M, Kurkl; S, Smith, Oxford University Press.
- Morriss, P. (2002). *Power: A Philosophical analysis*; In M. Haugaard (Ed), *Power: A reader* (pp.203-278), Manchester University Press.

- Mastro, O. (2020). Chinese International in the South China Sea, Wilson China Fellowship.
- Nye, J. (2004). Soft power: The means to success in world politics, First Published, New York: Public Affairs.
- Organski, A F K. (1958). World Politics. New York, Alfred A. Knopf
- Pedrozo, R P. (2010). Reserving navigation Rights & Freedoms: The Right to conduct Military Activities in China's Exclusive Economic Zone, Chinese Journal of International Law, 9(1), 9-29.
- Qiu, Q. (2018). Analysis of US South China Sea Policy in the 1950s, Social Sciences Studies, 1(2), 66-71.
- Roach, J.A. (2018). Offshore Archipelagos Enclosed by Straight Baselines: An Excessive Claim?. Ocean Development & International Law, 49(13), 176-202.
- Rahman, C., Tsamenyi, M. (2010). A Strategic Perspective on Security & Naval Issues in the South China Sea, Ocean Development & International Law, 41(1), 315-333.
- Raditio, K H. (2018). Understanding China's Behaviour in the South China Sea; A Defensive Realist Perspective. Palgrave Macmillan, Published by Springer.
- Shicum, W., Keyuan, Z. (2016). Arbitration Concerning the South China Sea: Philippines Versus China. First Published, London & New York, Rutledge.
- Schmucker, C., Gnath, B., Gnath, K. (2010). From G8 To the G20: Reforming the Global economic governance system. German Council on Foreign Relations, GRANET working paper No.73/09.
- Thayer, C.A. (2011). Security Cooperation in the South China Sea: An Assessment of recent trends. First Manila Conference on the SCS: Toward a region of Peace, Cooperation and Progress, <http://www.ndcp.edu.ph/SCSNSR.pdf>.
- Shambaugh, D. (2013). China goes global; The partial power. New York: Oxford University Press.
- Scott, D. (2012). Conflict Irresolution In the South China Sea, Asia Survey. 56 (6), 310-327.
- Turscanyi, R Q. (2018). China Assertiveness in the South China Sea; Power Source. Domestic Politics & Reactive Foreign Policy, First Published, London, Spring International Publishing.
- Trang, LT., Welfield, J B. (2020). Building a Normative order in South China Sea. First Published, Sydney University.
- Teixeira, V., Alexander, G. (2018). United State's Policy Strategy in South China Sea. School of International Relations, Xiamen University, Xianmen, Scholar Journal of Applied Sciences & Research, 1(6), 1-30.
- U.S. Department of S. (2014). Maritime Claims in the South China Sea. Report No.143.
- U.S. Office of the Secretary Defense, Annual Report to Congress: Military & Security Developments Involving the People's of China. (2020). <http://https://media.defense.gov/2020/Sep/01/2002488689/-1/-1/2020-DOD-CHINA-MILITARY-POWER-REPORT-FINAL.PDF>.
- Vuong, B. (2013). The Reminiscence, First Published, USA, Xlibris Corporation

- Walt, S M. (1991). The renaissance of Security Studies. *International Studies Quarterly*, 35(3), 211-239.
- Welfield, J B., Trang, L. (2020). *Building a normative oeder in the South China*. Via Sydney University Press.
- Yan, X., Huang, Y. (2011). *Hegemony in the stratagems of warring states. Ancient Chinese thought, modern Chinese Power*, First Published, Princenton University Press.
- Yoshiharat, T., Holms, JR. (2011). Can China Defenda Core interest in the South China Sea?. *The Washington Quarterly*, 34(7), 45-59.
- Zhenhua, H. (1988). *A Compilation of historical Materials about China's South China Sea Islands*. Beijing, Oriental Press.
- Zachrisen, O. (2015). *China's Political use of Economic ties in Territorial dispute: A Comparative case study of Japan's & the Philippines*. Master's Thesis, Political Science, Trondheim, University of Science & Technology, Norwegian.
- Ang, G. (1999). *The South China Sea Dispute Re-visited*. Institute of Defense & Strategic Studies ,Singapore, Working Paper, No.4, (Observed:01/12/2022), <http://hdl.handle.net/10326/90464>.
- Bower, E Z., Poling, G B. (2014). *China-Vietnam tensions high over drilling rig in dispute*, (Observed:02/22/2022), Washington, DC: Center for Strategic & International Studies, <http://csis.org/Publication>.
- Beckman, R C., Davenport, T. (2011). *CLCS Submissions & Claims in the South China Sea*. Center for International Law (CIL), (Observed:01/21/2022), <http://cil.nus.edu.sg/wp/wp-content/uploads/>.
- BBC. (2011). *China accuses Vietnam in South China Sea row*. (Observed:01/18/2022). <http://www.bbc.com/news/world-asia-pacific-13723443>.
- Do.T. (2014). *Vietnam's Strategic Outlook after Haiyang 981*. East Asia Forum, (Observed:02/08/2022), <http://www.eastasiaforum.org/2014/06/04>.
- Glaser, B.S., Szawinski, A. (2013). *Second Thomas Shoal Likely the next flashpoint in the South China Sea*. China Brief, Vol.13. (Observed:01/02/2022). <http://www.Jamestown.org/programs/chinabrief/single>.
- Goldman, J M. (2013). *President Aquino's Second half: Minimum credible defense in contested waters?*. China Brief, Vol.13, (Observed:01/02/022), <http://www.Jamestown.org/programs/chinabrief/single>.
- Himmelman, J. (2010). *A game of Shark & Minnow*. (Observed:01/16/2022), NewYork Times, <http://www.nytimes.com/newagraphics/>.
- Huanxin, Z. (2020). *Harvard Survey Finds Chiness Satisfaction with govt rises*, The China Daily. (observed: 02/22/2021), <https://global.chinadaily.com.cn/a/202007/17/WS5f10da6aa31083481725a085>.
- Kuok, L. (2016). *Challenging China's Illegal Maritime baselines*. The Wall Street Journal, (Observed:12/16/2021), <http://wsj.com/articles/challenging-china-illegal-maritime-baselines-147702643>.
- Kuhn, R L. (2016). *Candid Thoughts on South Chine Sea Disputes*. China Daily, (Observed:12/25/2021). http://chinadaily.com.cn/opinion/2016-08/06/content_26367442_3.htm.

- Lee, V R. (2015). China's new military Installations in the dispute Spratly Inlands. (Observed:01/14/2022),<http://www.medium.com/>.
- Lee, V R. (2016). China expands land filling at North Island in the Paracels: South Chian Sea. (Observed:01/14/2022), <http://www.medium.com/>.
- Morgan, M B. (2019). A World-Class Military:Assessing China's Global Military Ambitions.(Observed:11/25/2021),<http://www.USCC.gov/sites/default/files/morgan-uscc%20testimony-final.pdf>.
- Perlez, J. (2012). Dispute flares over energy in South China Sea, (Observed:11/25/2021), NewYork Times,<http://www.nytimes.com/2012/12/05>.
- Panda, A. (2015). China's HD-981 Oil rig returns:near Disputed South China Sea waters. (Observed:10/19/2021),The Diplomat,<http://the diplomat.com/2015/06/>.
- Swaine, M., Fravell, M. (2011). China's assertive behavior, Part Two:The Maritime Periphery. China Leadership Monitor. (Observed:10/19/2021). <http://carnegieendowment.org/files/CLM35ms.pdf>.
- Wong, E. (2010). Chinese Military Seeks to extend its naval Power, NewYork Times. (Observed:10/22/2021),<http://www.nytimes.com/2010/04/24/>.

